

تأثیرهای روانی نورهای رنگی در خانه‌های صفوی

دکتر مجتبی انصاری*
قباد کیانمهر**

از آن جا که هر بخش از خانه‌های صفوی کاربرد خاص خود را داشته و در همه منازل بخش‌های مشابه دارای رنگ‌بندی مشابه هستند با یک تطبیق بین روحیه افرادی که در هر بخش زندگی می‌کرده‌اند و نورهای رنگی موجود در آن محیط می‌توان دریافت که به کارگیری نور رنگی براساس مناسبت با روحیه افراد انتخاب شده و ضمن تلاش برای حفظ روحیه آنان در برابر ناملایمات، در جهت تعالی روحی و روانی مردم نیز کوشش می‌شده است زیرا که تعالی روانی موجب تقویت اعتقاد و استقلال فکری است و نهایتاً اعتلای فرهنگی را به دنبال خواهد داشت.

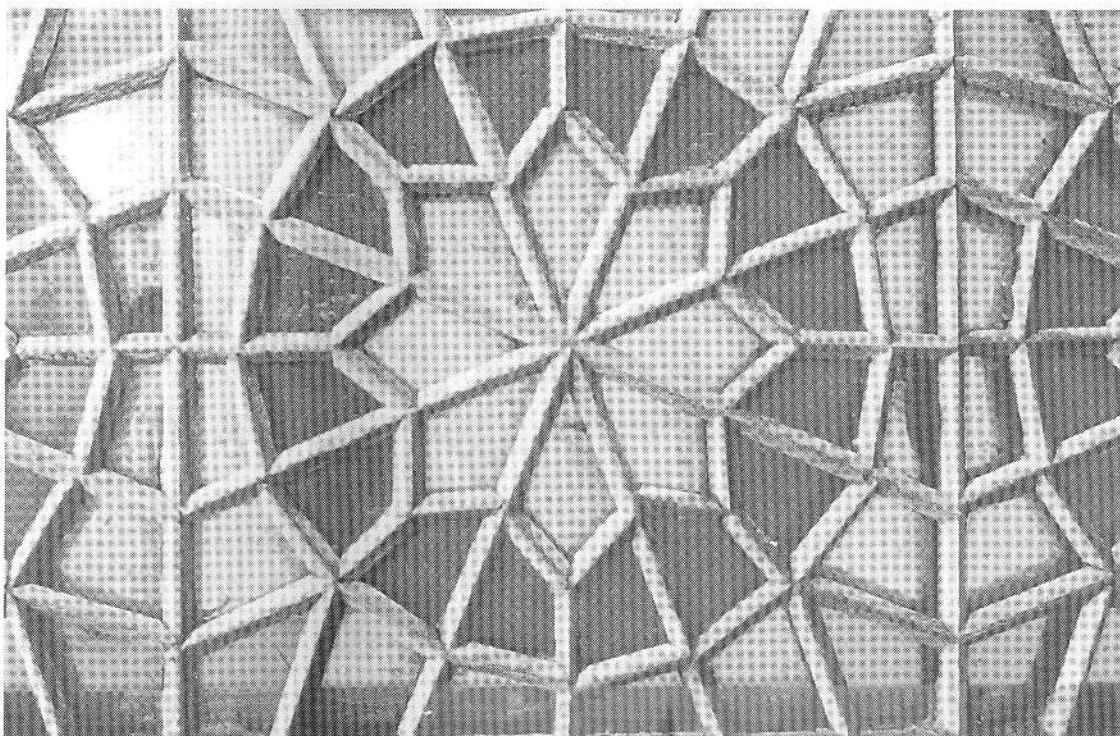
تأثیر سریع روانی همواره مورد توجه علم روان‌شناسی قرار داشته و در این تحقیق نیز که در آن از دریچه «روان‌شناسی محیط» به فضای زندگی نگریسته شده نورهای رنگی موجود در منازل صفوی بررسی شده است زیرا که دوره صفوی از جمله دوره‌های تاریخی است که هنر و معماری در جهت معرفت ایرانی بوده و اصول روان‌شناسانه مؤثر بر روحیه ایرانی در نظر گرفته می‌شده‌اند. در در و پنجره‌سازی صفوی بر نقوش و رنگ‌هایی تأکید شده که این نشانگر آن است که صرفاً به دنبال تزیین و نماسازی نیست و می‌خواهد مطالب خاصی را بیان کند.

چکیده

با نگاهی به سابقه به کارگیری عوامل مؤثر بر روان انسان در ایران قدیم به خوبی متوجه می‌شویم که در آن موقع نسبت به روحیه ایرانی شناخت کافی وجود داشته و محیطی برای او ساخته می‌شده که متناسب با روحیات او باشد. حال می‌توان با بهره‌گیری از آن تجربیات، محیطی فراهم نمود تا بتوان اثرات مطلوب محیط را بر ادراک ایرانی مشاهده کرد.

رنگ از جمله عواملی است که به لحاظ

* عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس.
** عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان.



میدان پژوهش در نظر گرفته شده‌اند بنابراین شیوه روان‌شناسی محیط مورد تأکید است. پژوهشگران مکتب «روان‌شناسی زیست محیطی» از تحقیقات آزمایشگاهی فاصله گرفته به مشاهده رفتار در شرایط طبیعی آن می‌پردازند. در بررسی‌های «روان‌شناسی محیط» انسان از محیط خود جدا نمی‌شود بلکه به عنوان بُعدی غیرقابل تفکیک از شرایط محیط مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد. البته در روان‌شناسی محیط به آداب و رسوم و ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی و فرهنگی نیز توجه می‌شود ولی ارتباط آنها با محیط بررسی می‌گردد و اساسی‌ترین هدف روان‌شناسی محیط بررسی رفتار انسان در چهارچوب محیط زندگی (قرارگاه فیزیکی) او و تأثیر آن محیط بر روان انسان است. بدیهی است که علوم دیگر روان‌شناسی مثل «روان‌شناسی عمقی» و «رفتارگرایی» کمتر به تأثیر محیط بر انسان می‌پردازند.^۲ روان‌شناسان مکتب «گشتالت» که از مهم‌ترین مکاتب روان‌شناسی محیطی به شمار می‌رود معتقدند که رفتار تابع تأثیر متقابل عواملی است که از فرد از یک سو و از محیط از سوی دیگر سرچشمه می‌گیرد.^۳ به بیان دیگر رفتار را تابع تأثیر متقابل ابعاد شخصیت و محیط می‌دانند در حالی که بارکر^۴ که از روان‌شناسان همین مکتب است معتقد است که اگر انسان از محیطی به محیط دیگر رود، تغییر رفتار پیدا می‌کند. بنابراین می‌بینیم که بین دو نظریه لوین و بارکر اختلاف کمی وجود دارد زیرا که لوین محیط را قسمتی از فضای زیستی فرد در نظر می‌گیرد یعنی از محیطی سخن می‌گوید که به وسیله

می‌آید که آیا اثرات روانی این نورهای رنگی بر ادراک انسان مدنظر بوده‌اند؟ و آیا می‌خواسته‌اند روان انسان را به چه سمتی حرکت دهند؟ و این که آیا نوع رنگ‌بندی شیشه‌های این پنجره‌ها متناسب با کاربرد آن بخش از منزل و افرادی که در آن بخش زندگی می‌کرده‌اند بوده است یا خیر؟ یا توجه به این که خانه‌های صفوی به نحوی تقسیم‌بندی می‌شده‌اند که افراد در هر بخش خاصی مثل میهمانان، زنان و کودکان، مستخدمین و... زندگی می‌کنند می‌توان با تطبیق بین روحیه این افراد و نورهای رنگی موجود در آن محیط دریافت که به کارگیری نور رنگی براساس مناسبت با روحیه افراد انتخاب می‌شده است و نه تنها سعی داشته‌اند که با این کار روحیه افراد را حفظ نمایند و آنان را در برابر ناملایمات زندگی مقابله و صورت سازند بلکه سعی در تعالی روحی آنها نیز داشته‌اند زیرا که تعالی روحی تعالی اعتقادی را نیز به همراه می‌آورد و تعالی اعتقادی مردم باعث می‌شود که آن مردم دارای فرهنگ قوی باشند و به این صورت فرهنگ بیگانه دیگر نمی‌تواند غالب شود.

شیوه بررسی

از آن جا که در این تحقیق سعی شده تا تأثیر متقابل نورهای رنگی بر روان انسان مورد بررسی قرار گیرد لازم بود که ابتدا کلیه روش‌های علمی زمان حال مورد مطالعه قرار گیرند تا بتوان براساس مناسب‌ترین روش اقدام کرد. در این تحقیق محیط خانه‌های صفوی به عنوان

به کارگیری شیشه در درها و پنجره‌ها از جمله فنی است که از زمان صفویه مرسوم می‌شود و به اوج خود می‌رسد و دوره بعد نیز تا حدی ادامه آن دوره است ولی نه به طور کامل زیرا که هنر ایرانی بعد از دوره صفوی تا حد زیاد تحت تأثیر هنر فرنگ قرار داشته و هدف اصلی خود را رفته رفته چه از جنبه‌های اعتقادی و چه از جنبه‌های روانی از دست می‌دهد. به همین دلیل در مقام دوره‌ای از تاریخ ایران که هنر و فنون بر پایه اعتقادات و روحیه ایرانی استوار بودند تأکید بر دوره صفویه صورت می‌گیرد. با نگاهی به تاریخ ایران در دوره صفوی می‌توان این موضوع را به خوبی دریافت که در آن زمان معرفت خاصی وجود داشته است چنان که برای اجرای هنر و معماری همه ارزش‌های ایرانی اعم از اصول اعتقادی مبتنی بر تشیع و تصوف و اصول روان‌شناسانه مثل روحیه ایرانی در نظر گرفته می‌شدند و این اصول در واقع مبانی حکومتی آن دوره را تشکیل می‌دادند. در و پنجره‌سازی صفوی نیز از این موضوع مستثنی نیست چنان که در عناصر هنری آن روی نقوش و رنگ‌های خاصی تأکید شده و این نشانگر آن است که صرفاً به دنبال تزیین و ناماسازی نیست و بدیهی است که این اشکال و رنگ‌ها مانند عناصر همه هنرهای صفوی حاوی و بیانگر مفاهیم خاص است.^۱

در محیط‌های زندگی زمان صفوی مشابهتی بین رنگ‌بندی شیشه‌های در و پنجره‌ها در هر بخش از منازل دیده می‌شود و از طرفی هر بخش از خانه‌های این دوره کاربرد خاصی داشته است. این سؤال پیش

مشخص تجربه می شود یعنی شخص تحت تأثیر عوامل روانی مختلف مانند ارزشها، انگیزه‌ها و غیره قرار می‌گیرد در حالی که منظور بارکر از محیط فضایی است که به طور عینی وجود دارد.

در بررسی تأثیرهای نورهای رنگی منازل صفوی بر ادراک همیشه این سؤال پیش می‌آید که این بررسی از چه دیدگاهی انجام شود؟ زیرا که برخی از روان‌شناسان محیطی معتقدند که محیط آن است که توسط شخص درک می‌شود در حالی که برخی دیگر محیط را آنچه به طور عینی وجود دارد می‌دانند. آنچه مسلم است این است که محیط اجتماعی دوره صفوی با اکنون متفاوت بوده است و قطعاً محیطی که آنان درک کرده‌اند با درک امروزی ما از همان محیط تفاوت دارد لیکن از آن جا که محیط طبیعی آن زمان با امروز تفاوتی از لحاظ رنگ ندارد و انسان‌ها به این رنگ‌های طبیعی عادت دارند همه تقریباً از رنگ‌های طبیعی درک یکسانی در خود حس می‌کنند.^۵ پس بهتر است که محیط دوره صفوی را آنچه بدانیم که عیناً وجود دارد. نظر به این که اثرات روانی رنگها بر ذهن انسان سابقه تحقیقاتی دراز دارد آزمایشها و نظرات جمع‌آوری شده نشانگر این هستند که انسانها تقریباً به طور مشابه از رنگها تأثیر می‌پذیرند.^۶

بنابراین می‌توان در این تحقیق از روش توصیف بر مبنای مقیاس استفاده نمود، و بررسی کرد که چند درصد از خانه‌های صفویه با مقیاس اثرات روانی رنگها که امروزه اثبات شده مطابقت دارد. در این مورد در محیط‌های امروزی نیز از همین شیوه استفاده شده و نتایج مورد نظر به دست آمده است.^۷ در این مورد حتی بازسازی محیط نیز نتیجه مطلوب داده است مثلاً در شرایطی که رنگ شیشه‌های یک اتاق عوض شده بلافاصله اثرات آن بر روی ادراک اشخاصی که در آن اتاق زندگی می‌کرده‌اند مشاهده شده است.^۸ اکنون می‌توان به روش میدانی بخش‌های مختلف خانه‌های صفوی را با روحیه افرادی که در هر بخش زندگی می‌کرده‌اند با کاربردی که آن بخش از خانه داشته است مورد تطبیق قرار داد. بدین وسیله متوجه خواهیم شد که آیا اولاً انتخاب رنگ شیشه بر همین اساس بوده یا خیر. ثانیاً با تطبیق با اهداف روحی و اعتقادی صفوی و تأثیرهای آن رنگها آیا می‌توان به اهداف دیگر این نوع رنگ‌بندی نیز رسید یا خیر؟ به همین منظور بعد از این که خانه‌های مهم صفوی که در حال حاضر موجودند مورد بررسی قرار گرفتند و مشخص شد که در درها یا پنجره‌های هر بخش آنها از هر رنگ شیشه به میزان چند درصد استفاده شده، ابتدا مطالب موجود در یک

جدول درج شده سپس به صورت نمودار با هم مقایسه می‌شوند و مشخص می‌شود که:

۱. به طور کلی چند رنگ شیشه در درها و پنجره‌های صفوی به کار می‌رفته‌اند؛
 ۲. در هر بخش از خانه‌ها چه رنگ شیشه به کار می‌رفته یا چه رنگ‌هایی از شیشه در کنار هم قرار می‌گرفته‌اند؛
 ۳. در هر قسمت از در یا پنجره چه نوع شیشه به کار می‌رفته است؛
 ۴. در هر مقطع از دوره صفوی چه رنگ شیشه به کار می‌رفته است.
- در ابتدای این فرآیند تعداد ۲۷ خانه صفوی که در حال حاضر در شهرهای اصفهان، یزد، قزوین و شیراز یافت می‌شوند مورد مطالعه قرار می‌گیرند و در نهایت نتایج به دست آمده با مطالعات امروزی روان‌شناسی رنگ و همچنین اعتقادات مذهبی آن زمان مطابقت داده می‌شود.

تحلیل‌های آماری

هم اکنون حدود ۳۵ خانه صفوی در شهرهای ایران به ثبت رسیده‌اند که می‌توان در همه آنها کم‌وبیش پنجره‌ها یا درهای شیشه‌دار را مشاهده نمود. در بررسی اولیه میزان شیشه‌های رنگی به کار رفته در این منازل می‌توان ارتباط بین میزان شیشه به کار رفته را با طبقات اجتماعی آن زمان و میزان درآمد آنها مشاهده نمود چنان که در خانه‌های کوچک فقط پنجره‌های اتاق‌های رو به قبله دارای تعداد محدودی شیشه هستند که قسمت بالایی آنها شیشه رنگی و قسمت پایین شیشه بی‌رنگ است و گاهی در این گونه منازل درها بدون شیشه و تمام چوبند یا فقط هلالی بالایی آنها شیشه رنگی دارد.

در میان منازل اشخاصی که در طبقات بالای اجتماعی زندگی می‌کرده‌اند می‌توان پنجره‌ها و درهای شیشه‌دار را به وفور ملاحظه نمود. این پنجره‌ها معمولاً با تزیینات گره چینی^۹ و قواره‌بری^{۱۰} و پارچه‌بری^{۱۱} هم دارای شیشه بی‌رنگ و هم دارای شیشه رنگی هستند و برخلاف منازل کوچک در همه بخش‌های خود شیشه رنگی دارند که رنگ‌بندی شیشه هر بخش مخصوص به خود است.

از آنجا که در میان خانه‌های صفوی در و پنجره و حتی رنگ‌بندی شیشه‌ها به طور مشابه وجود دارد جهت آمارگیری میدانی تعدادی از آن خانه‌ها که در شهرهای اصفهان، یزد، قزوین و شیراز باقی مانده‌اند مورد ملاحظه قرار گرفته‌اند و از تکرار مشاهدات خودداری

شده است.

البته بخش‌های شناخته شده خانه‌های صفوی در همه این خانه‌ها به طور کامل وجود ندارند زیرا که برخی از خانواده‌های آن زمان پردرآمد یا پر جمعیت بوده‌اند و برخی خیر. حداقل بخشهایی که در این خانه‌ها به چشم می‌خورند عبارتند از پنج‌دری،^{۱۲} سه‌دری،^{۱۳} شرقی غربی،^{۱۴} پستو،^{۱۵} و مطبخ.

خانه‌های بزرگتر بخشهای اضافی دیگر نیز داشته‌اند به این صورت که کل منزل به دو بخش اندرونی و بیرونی تقسیم می‌شده. بیرونی که نوعی خلوت است شامل یک حیاط جداساز که خود چند اتاق دارد و معمولاً مهمانهای نامحرم در آن پذیرایی یا ملاقات می‌شده‌اند، در حالی که اندرونی که مخصوص محارم بوده خود شامل چندین بخش مثل ارسی^{۱۶} و سه‌دری و اتاق‌های شرقی غربی، پستو و مطبخ است و نسبت به خانه‌های کوچک‌تر بخشهایی مثل مشرف^{۱۷} گوشواره،^{۱۸} و نسرده^{۱۹} زیرزمین،^{۲۰} و نارنجستان^{۲۱} و حوضخانه^{۲۲} و آبدارخانه^{۲۳} است. از خانه‌های مورد مطالعه در این تحقیق فقط بخشی که دارای شیشه رنگی بوده در نظر گرفته شده و با توجه به تحقیقات انجام گرفته می‌توان نتایج آماری زیر را استخراج کرد:

۱. در این خانه‌ها علاوه بر شیشه بی‌رنگ فقط از شیشه‌هایی به رنگ قرمز، سبز، آبی و زرد و بنفش استفاده شده است.
۲. استفاده از آینه در این آثار بسیار محدود است و معمولاً حداکثر ۱۰٪ از کل شیشه‌ها را تشکیل می‌دهد.
۳. استفاده از این رنگ‌های شیشه در بخش‌های مشابه خانه‌های مسلمانان و ارامنه دوره صفوی یکسان است.
۴. به کارگیری شیشه به رنگ زرد کمابیش در همه اتاقها دیده می‌شود.
۵. در اتاق ارسی یا پنج‌دری این منازل معمولاً به کارگیری شیشه‌هایی به رنگ متضاد مثل سبز و قرمز و یا آبی و قرمز و یا آبی و زرد به میزان حداکثر است.
۶. به کارگیری شیشه بی‌رنگ در همه بخش‌های این منازل دیده می‌شود و به جز چند مورد نادر در بقیه به میزان حداقل است.
۷. استفاده از شیشه به رنگ زرد تقریباً در همه بخش‌های این خانه‌ها دیده می‌شود.
۸. در اتاقهای سه‌دری به کارگیری شیشه‌هایی با رنگهای هماهنگ مثل زرد و قرمز یا سبز و آبی در حداکثر است.
۹. در اتاقهای مشرف به حیاط معمولاً شیشه به رنگ سبز دیده می‌شود که گاهی با شیشه به رنگ زرد

۷. همان. فصل دوم.

8. Little, K.B., *Personal Space*, Piper, Munchen, 1968. chapter 3, pp. 60-75.

۹. نوعی تزئین چوبی از قطعات به شکل هندسی گاهی به همراه شیشه توسط اتصالات به هم وصل می‌شوند.

۱۰. نوعی تزئین چوبی مشابه گره چینی با نقش ساختاری.

۱۱. در این شیوه دو لایه چوبی به طور مشابه شبکه‌بری می‌شوند و سپس بین دو لایه شیشه رنگی نصب می‌گردد.

۱۲. اتاق میانی رو به قبله - بزرگترین اتاق خانه و جهت پذیرایی به کار می‌رفته - و رو به حیاط است.

۱۳. اتاق‌های دو طرف اتاق اصلی رو به حیاط است و جهت نشیمن به کار می‌رفته‌اند.

۱۴. اتاق‌هایی در دو طرف حیاط که استفاده فصلی داشتند و در ضمن جهت زندگی افراد جوان خانواده یا تازه ازدواج کرده‌ها به کار می‌رفتند.

۱۵. که در پشت اتاق‌های اصلی بود و جهت خواب به کار می‌رفت. گاهی پستو خود دارای یک صندوق‌خانه جهت نگهداری لباسها است.

۱۶. که بزرگترین اتاق رو به قبله و حیاط است و معمولاً پنجره بالا رو بزرگ دارد و جایگزین پنج دری یا هفت دری خانه‌های کوچک‌تر است.

۱۷. اتاق‌های طبقه دوم رو به حیاط که معمولاً بر روی سه دری ساخته می‌شدند.

۱۸. اتاق‌های مشرف به ارسی اصلی از داخل.

۱۹. بخش جنوبی خانه بوده و به لحاظ خنک بودن در تابستان استفاده می‌شده است.

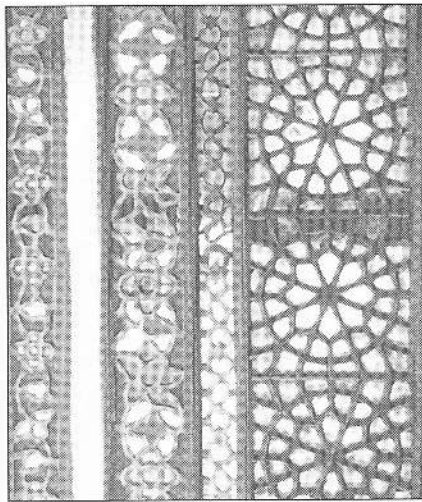
۲۰. در زیر هر یک از بخش‌های اندرونی برای نگهداری لوازم یا پنجره نورگیر رو به حیاط.

۲۱. که در آن گل و نهال نگهداری می‌کردند.

۲۲. که در آن حوض آب بوده و برای استراحت یا پذیرایی به کار می‌رفته است.

۲۳. جهت تهیه چای و مقدمات پذیرایی.

24. Porter, Tom, "Colour in the looking glass", *Colour in architecture Journal*, Apr. 1996, London. pp. 8-10.



یک ایرانی که در کنار سایر افراد خانواده خود زندگی می‌کند بسته به روحیه همجواری خود با سایر اعضای خانواده یا حتی میهمان احساس آسایش دارد و این در صورتی است که فضای داخل منزل آنقدر باز و متنوع است که برای هر فرد خانواده اعم از زن یا مرد و کودک و جوان و میانسال و مسن و با هر شغلی که دارند می‌تواند محیط مطابق با روحیه خود را پیدا نماید یا به وسیله تمهیدات انجام شده در اصلاح روحیه خود بکوشد.

از طرفی می‌بینیم که اثرات روانی نورهای موجود باعث می‌شده تا افرادی که با هم همجوار هستند روحیه نزدیک و مشابه هم پیدا نمایند و این موضوع نه تنها اعضای یک خانواده بلکه افراد یک منطقه را نیز مشابهت روانی و نهایتاً رفتاری می‌دهد. از سوی دیگر با توجه به اثرات روانی هر یک از نورها در هر بخش از خانه‌ها افراد مورد نظر در آن خانه‌ها کمتر دچار خستگی، افسردگی و نامالایمات روانی شده بلکه تعالی روحی و روانی آنها نیز روز به روز بیشتر بود و این موضوع مهم نه تنها در زندگی روزمره و شغل و عبادات و اعتقادات و فرهنگ اثرگذار بود بلکه استقلال فرهنگی را نیز افزون می‌کرد.

1. Bakhtiar, Laleh. *Sufi*, Landon, Tames and Hodson, 1987, pp. 90-106.

۲. مرتضوی، شهرناز. روانشناسی محیط، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۷. بخش اول، ص ۱۰ تا ۱۶.

3. Lewin, K., *Feldthorie in den Sozialwissenschaften*, Bern, Hans Huber, 1963. pp. 30-60.

4. Barker, R., *Big School*, Washington, Stanford, 1972. pp. 50-90.

۵. اینن، یوهانس. عناصر رنگ ترجمه دکتر حسن ملجایی. تهران، انتشارات پارت، ۱۳۷۳، ص ۲۵-۳۰.

6. Proshansky, H., *Environmental Psychology man and his physical setting*, Holt, Winston, 1970, chapter 1, pp. 33-65.

و گاهی با شیشه به رنگ آبی در کنار هم قرار داشته و میزان آن در حداکثر است.

۱۰. در پنجره‌های مربوط به گوشواره میزان به کارگیری شیشه‌هایی به رنگ سبز و آبی در حداکثر است لیکن گاهی شیشه‌هایی به رنگ زرد و قرمز نیز در کنار آنها دیده می‌شوند.

۱۱. در اتاقهای شرقی مربوط به اندرونی خانه‌ها معمولاً به کارگیری شیشه‌هایی به رنگ قرمز و زرد در حداکثر است لیکن شیشه‌هایی به رنگ آبی نیز کمابیش دیده می‌شود.

۱۲. در اتاقهای غربی مربوط به اندرونی خانه‌ها به کارگیری شیشه‌هایی به رنگ زرد و سبز و آبی در حداکثر است.

۱۳. در بخش خلوت‌خانه‌ها که معمولاً به عنوان بیرونی به کار می‌رفته به کارگیری شیشه به رنگ قرمز در حداکثر است و بعد از آن شیشه به رنگ زرد و آبی به کار رفته است.

۱۴. در پستو معمولاً به کارگیری شیشه‌هایی به رنگ سبز و آبی در حداکثر است ولی گاهی شیشه‌هایی به رنگ سبز و زرد نیز در کنار هم دیده می‌شود.

۱۵. در خانه‌هایی که اتاق‌های «نسرده» یا جنوبی دارند معمولاً شیشه‌هایی به رنگ سبز و آبی بیش از بقیه به کار رفته‌اند.

۱۶. معمولاً شیشه پنجره‌های زیرزمین بی‌رنگند. ۱۷. در شیشه‌های به کار رفته در پنجره حوضخانه حالت خاصی دیده نمی‌شود.

۱۸. در شیشه‌های به کار رفته در مطبخ و آبدارخانه حالت خاصی دیده نمی‌شود.

۱۹. شیشه‌های به کار رفته در «نارنجستان» معمولاً بی‌رنگ هستند.

امروزه در برخی از نشریات جدید معماری می‌توان مشاهده نمود که در بخش غذاخوری منازل از رنگ قرمز و زرد استفاده شده است زیرا محیط‌های آزمایشگاهی نشان داده‌اند که در فضای با رنگ قرمز اشتها تا ۳۰٪ افزایش می‌یابد. البته در منازل صفوی در اتاق‌های شرقی نیز می‌توان هم‌نشینی شیشه رنگ زرد و قرمز را مشاهده نمود، با توجه به این که این بخش از خانه‌ها معمولاً در بهار مورد سکونت بوده‌اند شاید به خاطر این است که بتواند در کنار رنگ‌های سرد بهاری مثل سبز رنگ‌های گرمی نیز وجود داشته باشد.

چنانچه مشاهده شد در بررسی بُعد پنهان خانه‌های صفوی می‌توان به مواردی رسید که نشان می‌دهند که فضای مورد نیاز مطابق با روحیه ایرانی است چنان که